تسهیل دسترسی به اسلام شناسان ضروری است

رئیس ستاد اقامه نماز کشور بر توجه بیشتر به جنبه های تبلیغی دین از سوی دست اندر کاران تأکید کرد. به گزارش ایرنا، حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در جمع عزاداران حسینی کاشان گفت: روش های ارتباط با اسلام شناسان نیز، باید تسهیل شود و مردم، حتی از دورترین نقاط، دست کم با یک تماس، بتوانند برای رفع شبهات دینی خود اقدام کنند.

تازه های نشر

●●●

۱۲ اثر عاشورایی روانه بازار نشر شد

همزمان با ایام شهادت امام حسین(ع)، مجموعه سه جلدی «بر آستان ارادت» از سوی به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) منتشر شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، این اثر که به همت جواد قربان‌پور گردآوری شده، شامل مصیبت‌نامه و اشعار محرم است که در آن، شعرهای بی‌پیرایه در رثای سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدا... الحسین(ع)، اهل بیت(ع) و یاران باوفای ایشان انتخاب شده است. قربان‌پور در این مجموعه تلاش کرده، مرثیه‌ها و نوحه‌هایی سرشار از معارف دینی را که برگرفته از منابع اصیل اسلام و کتب معتبر شیعی است، گردآوری کند و رسالت شعر شیعی و مداحان اهل بیت(ع) را به سلامت و عاری از هر گونه انحراف، به سرمنزل مقصود برساند. در جلد نخست این مجموعه، اشعاری با محوریت امام حسین (ع)، مسلم بن عقیل (ع)، ورود به کربلا، فرزندان حضرت زینب (س)، حضرت رقیه (س)، حر، حضرت عبدا... بن الحسن (ع) و حضرت قاسم بن الحسن (ع) آمده است. جلد دوم مجموعه، شامل اشعاری درباره حضرت علی اصغر (ع)، حضرت علی اکبر (ع)، تاسوعا و عاشورا است. قربان‌پور در جلد سوم این مجموعه هم، اشعاری را درباره حضرت زینب کبری (س)، گردآوری کرده است. به‌نشر چاپ نخست این مجموعه سه جلدی را، با شمارگان چهار هزار و ۵۰۰ نسخه، در قطع پالتویی، منتشر کرده و هریک از جلدهای آن را، به ترتیب به بهای ۱۲ هزار، ۱۰ هزار و هشت هزار تومان، در دسترس مخاطبان قرار داده است.

■ چاپ ششم «حکمت‌های حسینی» به بازار آمد

همچنین، چاپ ششم کتاب «حکمت های حسینی» نیز، راهی بازار نشر شد. این کتاب، ششمین جلد از مجموعه «راه زندگی» است که به قلم حجت الاسلام و المسلمین جواد محدثی به رشته تحریر درآمده است.

از ویژگی های این اثر می‌توان به تبیین چهل موضوع اخلاقی و اجتماعی برگرفته از احادیث امام حسین (ع)، با ترجمه‌ای روان، همراه با توضیحی مختصر و استفاده از اشعاری متناسب در لابه‌لای مطالب اشاره کرد. چاپ ششم «حکمت‌های حسینی» نیز از سوی به‌نشر، با شمارگان هزار نسخه و با بهای هفت هزار و ۵۰۰ تومان، منتشر شده است.

گزارشی تاریخی از وقایع پس از شهادت سالار شهیدان(ع)

همراه با کاروان سربلندی

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

با شهادت امام حسین(ع)، در غروب روز عاشورا، سپاهیان کوفه آهنگ خیمه های سیدالشهدا(ع) کردند. «سید بن طاووس» در «لهوف» می نویسد: «راوی می گوید: کنیزی از میان خیمه ها بیرون آمد و به آوردگاه نگریست. مردی به او گفت: به کجامی نگری کنیز؟ مولایت حسین کشته شد. آن کنیز می گوید: به سرعت به داخل خیمه ها بازگشتم و بانوان حرم را از اتفاقی که رخ داده بود، باخبر کردم. آن بزرگواران بر سر و صورت زدند و گریستند. کوفیان برای غارت خیمه ها از یکدیگر سبقت می گرفتند؛ برای غارت خیمه هایی که ساکنان آن ها نوردیدگان زهرای اطهر(س) و خاندان رسول ا...(ص) بودند. هر کس هر چه می یافت، غارت می کرد... بانوان و کودکان خردسال، در حالی که می گریستند، از خیمه ها بیرون آمدند و کوفیان بر خیمه ها آتش افکندند.» «ابی مخنف» هم در «وقعة الطف» می نویسد: «عمر بن سعد دستور داد جنازه های کوفیان هلاک شده را جمع آوری و دفن کنند، اما پیکر مطهر امام حسین(ع) و پیکرهای یارانش را بر زمین باقی گذارند. او سر مطهر سیدالشهدا(ع) را به خولی بن یزید داد تا زودتر خود را به کوفه برساند و آن را به عبیدا... بن زیاد بدهد.»

■ در شهر نامردان مردنما

«ابی مخنف» در «وقعة الطف» می نویسد: «صبح روز بعد، عمر بن سعد برخاست و دستور داد باقی سرهای شهدا را، که ۷۲ سر بود، به سمت کوفه ببرند. شمر بن ذی الجوشن، قیس بن اشعث، عمرو بن حجاج و عزرة بن قیس، مأمور شدند همراه سرها بروند و آن ها را به ابن زیاد تحویل دهند. سپس، عمر بن سعد به حمید بن بُکیر احمری دستور داد کاروان را برای حرکت به سمت کوفه آماده کند و دختران و خواهران سیدالشهدا(ع) و نیز سایر زنان و کودکان را همراه با علی بن حسین (ع)، که به شدت بیمار بود، با خود ببرد. قرة بن قیس تمیمی می گوید: فراموش نمی کنم که زینب بنت فاطمه(س) هنگامی که از کنار پیکر مطهر برادرش گذشت، می گفت: یامحمدا! یامحمدا! فرشتگان بر تو درود می فرستند؛ ببین! این حسین است که پیکرش، خونین بر زمین افتاده و سرش را از تن جدا کرده اند. یا محمدا! دخترانت اسیر شده و فرزندانت این گونه به شهادت رسیده اند. قرة بن قیس می گوید: به خدا سوگند، دوست و دشمن بر سخنان زینب(س) می گریستند.» «سید بن طاووس» در «لهوف»، بخش های دیگری از سخنان زینب کبری (س) را آورده است و می نویسد: «زینب دختر علی(ع) فرمود: از این ستم های بی شمار، به خدا و رسولش شکایت خواهم کرد. یا جداه! این پیکر حسین توست که بی لباس بر زمین افتاده و باد صحرا بر بدن مطهرش وزان است و بر آن خاک می پاشد. این پیکر حسین توست که بَدنَسَبان او را کشتند. وای از این مصیبت جانکاه! یا اباعبدا...(ع)! جانم به فدایت! امروز جدّم رسول خدا(ص) را کشتند... پدرم فدای آن که در یک روز تمام یارانش را کشتند و دارایی اش را غارت کردند؛ پدرم فدای آن که عمود خیمه اش شکست و بر زمین افتاد... پدرم فدای آن که با لب تشنه کشته شد؛ پدرم فدای آن که از محاسن مطهرش خون می چکد؛ پدرم فدای آن که جدّش محمد مصطفاست؛ پدرم فدای آن که نوه پیامبر خداست... راوی می گوید: پس از زینب(س)، سکینه(س) دختر اباعبدا...(ع)، پیکر مطهر پدر بزرگوارش را در آغوش گرفت و به تلخی گریست. گروهی آمدند و او را به زور از پدر جدا کردند.»

■ خطبه آتشین زینب(س) در کوفه

«خوارزمی» در «مقتل» می نویسد: «آن قوم [کوفیان]، فرزندان و حرم رسول خدا(ص) را حرکت دادند و مانند اسیران به سمت کوفه بردند.» هنگامی که نزدیک کوفه رسیدند، مردم از خانه ها بیرون آمدند. آن ها به سرهای مطهر و اُسرای خاندان رسالت می نگریستند و گریه می کردند. «خوارزمی» می نویسد: «علی بن حسین (ع) که پایش در غُل آهنین و بیماری و تب بر او غلبه کرده بود، فرمود: به آن چه بر خاندان پیامبر (ص) رفته است، اشک می ریزید؟! پس به من بگویید چه کسی فرمان قتل آن ها را داد و چه کسی آن ها را به شهادت رساند؟» مردم دور کاروان را گرفتند. قیامتی برپا بود. ناگاه، دستان زینب کبری (س) بلند شد و همه را به سکوت دعوت کرد. کوفیان نفس ها را در سینه حبس کردند و به دختر امیرمؤمنان(ع) می نگریستند. «سید بن طاووس» می نویسد: «دختر امیرمؤمنان(ع) فرمود: ستایش مخصوص پروردگار است و بس؛ بر جدّم، رسول خدا(ص) و خاندان پاکش درود می فرستم. اما بعد، اهالی کوفه! ای اهل نیرنگ و خیانت! گریه می کنید؟ اشکتان هرگز خشک نشود و فریاد و شیونتان را پایانی نباشد! شما همانند زنی هستید که پیوسته، رشته هایی را که بافته بود، به هم می بست و سپس از هم می گسست. شما مردمی هستید که پیمان ها و سوگندهایتان را در ظرف خُدعه و نیرنگ ریخته اید. به من بگویید؛ سرمایه و داشته شما چیست جز خودستایی و خودخواهی و چاپلوسی و فساد و سینه هایی که مالامال از حِقد و کینه است؟ شما به سبزه ای می مانید که بر سرگین چِهارپایان روییده است... وای بر شما! برای روز رستاخیز چه بدتوشه ای فراهم کردید. خشم و غضب خداوند بر شما باد... آیا می گریید؟ آری؛ به خدا سوگند که شایسته گریه هستید؛ گریه هایتان افزون و خنده هایتان اندک باد. خود را به ننگی آلوده کردید که با هیچ آبی پاک شدنی نیست. چگونه می توانید ننگ کشتن فرزند رسول خدا(ص) و سرور جوانان بهشت را از دامنتان پاک کنید؛ بزرگی که پناهگاه و فریادرس شما و در بلا و گرفتاری، هدایتگر و روشنی بخش راه گم کردگانتان بود.» خطبه زینب کبری(س) همه را منقلب کرد.

■ در کاخ پسر مرجانه

ابن زیاد در دار الحکومه کوفه نشسته بود که سرهای مطهر شهدای کربلا را آوردند. «ابی مخنف» در «وقعة الطف» می نویسد: «قبیله کِنده به ریاست قیس بن اشعث با ۱۷ سر، قبیله هوازن به ریاست شمر بن ذی الجوشن با ۲۰ سر، قبیله تمیم با ۱۷ سر و بنی اسد و مذحج با ۱۳ سر وارد شدند و باقی سرها توسط دیگر قبایل حمل می شد. پسر زیاد به مردم اجازه داد وارد تالار دار الحکومه شوند و سرها را ببینند. سر مطهر اباعبدا...(ع) را در مقابل عبیدا... گذاشتند و او با چوبی که در دست داشت بر لب ها و دندان مطهر امام(ع) می زد. زید بن ارقم (در برخی روایات انس بن مالک) پیرمردی از اصحاب پیامبر(ص) که در مجلس حاضر بود، تاب نیاورد و فریاد زد: چوبت را از آن لب و دندان دور کن! به خدا سوگند که دیدم رسول خدا(ص) بارها بر آن لب ها بوسه زده است. زید این را گفت و به شدت گریست. ابن زیاد با تندی به او گفت: ساکت شو! خداوند چشمانت را گریان نگه دارد! اگر پیر نبودی و دچار زوال عقل نشده بودی، هم اکنون دستور می دادم گردنت را بزنند. زید بن ارقم از تالار خارج شد و در همان حال می گفت: شما! ای بزرگان عرب! از امروز برده ای بیش نیستید. پسر فاطمه(س) را کشتید و بر امارت پسر مرجانه گردن نهادید. بزرگانتان را از میان برخواهد داشت و اشرارشما را بر شما مسلط خواهد کرد.»

■ جززیبایی نمی‌بینم

اسیران خاندان رسول خدا(ص) را وارد تالار کردند. «سید بن طاووس» در «لهوف» می نویسد: «پس زینب دختر علی(ع) همچون بانوی ناشناسی در گوشه ای نشست. پسر زیاد پرسید: این زن کیست؟ گفتند: او زینب دختر علی است. عبیدا... رو به زینب کبری(س) کرد و گفت: خدا را شکر که رسوا شدید و دروغ هایتان آشکار شد. زینب(س) محکم پاسخ داد: تنها فاسق رسوا می شود و دروغ گویی فاجر فاش خواهد شد و ما، نه فاجریم و نه فاسق. ابن زیاد گفت: کار خدا با برادرت و اهل بیت او را چگونه می بینی؟ زینب کبری(س) فرمود: جز زیبایی نمی بینم؛ آن ها افرادی بودند که خداوند شهادت را برایشان مقدّر کرده بود، پس به سوی قتلگاهشان رفتند و به زودی پروردگار یکتا میان آن ها و تو داوری خواهد کرد و داد آن ها را از تو خواهد ستاند. در آن روز خواهی دانست که پیروزی و رستگاری از آن کیست. مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه!»

«ابی مخنف» در «وقعة الطف» می نویسد: «[سپس] عبیدا... بن زیاد به علی بن حسین (ع) نگاه کرد و پرسید: نام تو چیست؟ امام سجاد(ع) فرمود: من علی بن حسین هستم. ابن زیاد گفت: مگر خداوند علی بن حسین را نکشت؟! و منتظر جواب امام(ع) ماند. زین العابدین(ع) سخنی نفرمود. ابن زیاد دوباره گفت: چرا سخن نمی گویی؟ امام(ع) فرمود: برادری داشتم که نام او نیز علی بود، مردم او را به شهادت رساندند. ابن زیاد گفت: این گونه نیست، خدا او را کشت! امام سجاد(ع) فرمود: اللهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حِینَ مَوْتِها؛ خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند. آن گاه فرمود: وَما کانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلاّ بِإِذْنِ اللهِ؛ و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد. ابن زیاد برآشفت و گفت: به خدا سوگند، تو هم یکی از آن ها هستی. سپس رو به مأمورانش کرد و گفت: وای بر شما! او را بکشید. در این هنگام زینب کبری(س) دست در گردن پسر برادرش انداخت و گفت: ای پسر زیاد! از جان ما چه می خواهی؟ از ریختن خون ما سیر نشده ای؟ می خواهی همه ما را بکشی؟ به تو می گویم، اگر بخواهی او را بکشی باید ابتدا مرا از میان برداری.» چند روز بعد، ابن زیاد به زَخرة بن قیس و ابوبُردة بن عوف فرمان داد سر مطهر سالار شهیدان(ع) و سرهای یارانش را برای یزید ببرند. به این ترتیب، کاروان آزادگان، راه شام را پیش گرفت تا این بار، کاخ ظلم یزیدیان، با خطبه‌های آتشین امام سجاد(ع) و زینب کبری(س) به لرزه درآید.

مشاوره حقوقی

●●●

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۰ روزنامه خراسان، پاسخ گوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: هشت ماه است که عروسی کرده ام و اکنون، متوجه شده ام همسرم مشکل خونی حاد دارد و ممکن است بنده هم مبتلا شوم. او و خانواده اش در زمان عقد، این موضوع را به بنده نگفتند و مرا فریب دادند. حالا باید چه کار کنم؟

پاسخ: ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی به طور مشخص از شش بیماری (۱- قرن، ۲- جذام، ۳- برص، ۴- افضاء، ۵- زمین گیری، ۶- نابینایی از هر دو چشم) نام برده است که اگر زن پیش از ازدواج به هر کدام از آن ها مبتلا باشد و مردی بدون آگاهی از این امر با وی ازدواج کند و بعد از عقد از موضوع مطلع شود، برای مرد حق فسخ نکاح ایجاد می شود. برخی دادگاه ها با توجه به این ماده، ابتلای زن به بیماری های دیگر را هر چند خطرناک و مسری باشند، موجب حق فسخ برای مرد نمی دانند، اگرچه در این صورت نیز مرد می تواند با پرداخت حقوق مالی زن از جمله مهریه، وی را طلاق دهد.

از سوی دیگر، ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی بیان می کند: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد.» یعنی حتی اگر آن صفت در عقدنامه یا جلسات پیش از عقد به صراحت ذکر نشده باشد اما هر دو طرف آن را در نظر داشته باشند، نبود آن صفت ممکن است موجب حق فسخ شود. به نظر می رسد سلامت همسر و حداقل مبتلا نبودن وی به بیماری های لاعلاج، صعب العلاج یا خطرناک و مسری، از صفاتی است که عقد ازدواج عموما بر مبنای آن انجام می شود. بنابراین، وجود چنین بیماری در همسر قبل از ازدواج و مخفی کردن آن از شما می تواند موجب حق فسخ شود. در صورت فسخ نکاح از طرف مرد پیش از نزدیکی، مهریه ای به زن تعلق نمی گیرد اما پس از نزدیکی، زن مستحق کل مهریه خواهد بود. اگر علت فسخ نکاح، فریب مرد از سوی زن باشد نیز، زن مستحق مهریه نخواهد بود. در مورد اعمال حق فسخ باید فوراً تصمیم گیری و تصمیم بر فسخ اعلام شود. در غیر این صورت، حق فسخ از بین می رود.

پنجشنبه هر هفته ضمیمه جوان روزنامه خراسان

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۳۶۶
پیرو آگهی های قبلی به حسین خمسه فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد درخواست حسینعلی قنبریان به طرفیت شما به خواسته مطالبه وجه به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۰۳۳۰۰۶۳۹ پرونده کلاسه ۹۶۰۳۶۶ به پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان بابت اصل خواسته و مبلغ ۱/۲۷۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و ۴۵/۰۰۰ تومان هزینه آگهی و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید لغایت یوم الوصول محکوم شده اید مراتب بدین وسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است.م الف ۳۵۰۶۱
متصدی امور دفتری دادگاه شعبه ۱۵۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره سه شهرستان مشهد- مشهد- بلوار شهید قرهنی- نبش قرهنی۲۸ م/۹۶۱۴۱۱۹۷

آگهی ابلاغ دادنامه
بدین وسیله پیرو آگهی های قبلی به خانم صغری نوریان فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد شکایت الهام صابری علیه شما به خواسته تهدید و ایراد ضرب عمدی به موجب حکم شماره ۹۳۰ در پرونده کلاسه ۹۶۰۴۶۷ به ۶ماه حبس بابت تهدید و پرداخت دیه در حق شاکی محکوم شده‌اید. مراتب بدین وسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این دادگاه است. م الف ۳۵۰۶۷
مدیر دفتر شعبه ۱۲۶ دادگاه کیفری ۲ مشهد م/۹۶۱۴۱۱۶۰

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۶۱ آگهی احضار متهم
احتراما در کلاسه ۲۰۱/۹۶۰۴۸۳ متهم محمود شاه تاجیک به اتهام خیانت در امانت موضوع شکایت شاکی مهدی زرافتی سخنگو تحت تعقیب می باشند و به واسطه معلوم نبودن محل اقامت نامبرده و به تجویز ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب در روزنامه آگهی تا ظرف مدت سی روز از تاریخ نشر آگهی در شعبه ۲۰۱ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد حاضر و از اتهام انتسابی دفاع نماید، در صورت عدم حضور در موعد مقرر رسیدگی و اظهار عقیده می نماید.م الف ۳۵۰۷۱ بازپرس شعبه ۲۰۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد- ملازمیان-مشهد- خیابان کوهسنگی بعد از فلکه الندشت ساختمان دادگستری دادسرای ناحیه ۲ طبقه دوم شعبه بازپرسی ۲۰۱ م/۹۶۱۴۱۱۳۵

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۳۴۱ آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم
به آقای/خانم جواد مرادی فرزند غلام علی خواهان آقای علی صادقی فرزند غلام حسن دادخواستی به طرفیت خوانده آقای جواد مرادی فرزند غلام علی به خواسته مطالبه وجه سفته و تامین خواسته مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۵۰۳۱۰۰۳۳۸ شعبه ۱۴۵ شورای حل اختلاف مجتمع شماره سه شهرستان مشهد ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۵ ساعت ۸ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر شعبه ۱۴۵ مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.
م الف ۳۵۰۶۵ مسئول دفتر شورای حل اختلاف شعبه ۱۴۵ شورای حل اختلاف مجتمع شماره سه شهرستان مشهد منوره ساقی
مشهد- بلوار شهید قرهنی- نبش قرهنی ۲۸ م/۹۶۱۴۱۱۶۸

شماره بایگانی پرونده: ۹۶۰۳۹۰
آگهی احضار متهم
در پرونده کلاسه ۹۶۰۳۹۰ بهروز غلامی فرزند اسماعیل دائر بر معامله به قصد فرار از دین تحت تعقیب می باشد به واسطه معلوم نبودن محل اقامت نامبرده و به تجویز ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب در روزنامه آگهی تا ظرف مدت سی روز از تاریخ نشر آگهی در شعبه ۲۱۴ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد مجتمع قضایی شهیدرجایی حاضر و از اتهام انتسابی دفاع نماید، نتیجه عدم حضور اقدامات مقتضی است. م الف ۳۵۰۷۲
بازپرس شعبه ۲۱۴ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد- ابراهیم اسلامی م/۹۶۱۴۱۱۳۲

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۱۲۵۷
در پرونده کلاسه ۲۲۸/۹۵۱۲۵۷ آقایان حشمت ترشیزی و محمدمهدی بارکزی به اتهام مشارکت در ایراد صدمه بدنی عمدی موضوع شکایت جواد بارکزی تحت تعقیب می باشد به واسطه معلوم نبودن محل اقامت نامبرده و به تجویز ماده ۱۱۵ق.ا.د.ک مراتب آگهی، نامبرده مکلف است ظرف مدت ۳۰روز در شعبه ۲۲۸ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب دادسرای ناحیه مشهد جهت دفاع از اتهام انتسابی با حق داشتن وکیل دادگستری حاضر شود. دادیار شعبه ۲۲۸ دادسرای ناحیه ۲ مشهد- م الف ۳۵۰۶۹
سعیده دشتی رحمت آباد م/۹۶۱۴۱۱۵۲